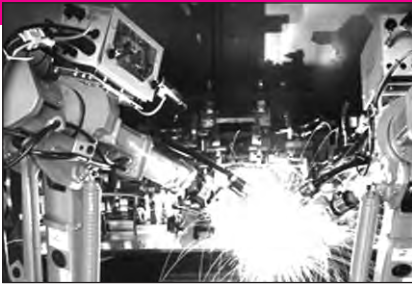


- در این راستا، پیشنهادات ذیل، جهت نیل به اهداف اقتصادی مطلوب ارایه می‌گردد:
- ۱) هدایت سرمایه‌گذاری‌های دولتی در امور زیربنایی، ایجاد ساختارهای زیربنایی تولید و عدم رقابت دولت با بخش خصوصی
  - ۲) ایجاد ثبات در سیاست‌های داخلی و خارجی و ایجاد فضای آرام سیاسی، اقتصادی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری
  - ۳) اتخاذ سازوکارهایی که به تقویت جریان مولد و افزایش میزان جذب سرمایه‌ها در کشور منجر شود، مانند ارایه مشوق‌هایی چون معافیت‌های مالیاتی، وام‌ها و اعتبارات با نرخ پایین سود
  - ۴) برنامه‌ریزی کلان برای افزایش صادرات غیرنفتی و صادرات بخش خصوصی. ■

برای سرمایه‌گذاری دولت در امور زیربنایی لحاظ شود. به عبارت دیگر، برنامه‌ای به صورت کاملاً کاربردی نوشته و اجرا گردد که دولت را موظف به انجام سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی مورد نیاز بخش خصوصی نموده و از سرمایه‌گذاری در طرح‌های اقتصادی که بخش خصوصی توان ورود به آن را دارد جلوگیری شود؛ چراکه ورود دولت به این عرصه و رقابت آن با بخش خصوصی، اولاً باعث اتلاف منابع می‌گردد و قسمتی از منابعی را که باید به سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و زیربنایی اختصاص یابد، از دست می‌رود و ثانیاً اگر بخش دولتی وارد تولید کالاهایی شود که بخش خصوصی توان تولید آن را دارد، در این صورت به دلیل این که بخش دولتی دسترسی بیشتری به منابع قدرت و اعتبارات دارد ممکن است در رقابت با بخش خصوصی، موانعی بر سر راه تولید ایجاد کند.

## مشکلات جامعه صنعتی ایران

# صنعت مظلوم



صنعت در کشور ما نیازمند توسعه قانون، اصلاح ساختاری اقتصاد، اصلاح نظام بانکی، بهبود سیاست‌های وارداتی و فرهنگ‌سازی است.

و سرانجام ایجاد ساختار لازم برای هدفی که در نظر دارند اقدام نمایند. بدیهی است در این رهگذر عواملی چند باید مورد توجه قرار گیرند که از آن جمله می‌توان قوانین و مقررات موجود، بازار یابی، وضعیت بازارهای داخلی و خارجی، رشد اقتصادی کشور در جهت معینی از صنایع و سیاست‌های پولی و مالی دولت در جهت انقباضی یا انبساطی بودن، امکان دریافت تسهیلات مالی از بانک‌ها، جهت پیشبرد اهداف از پیش برنامه‌ریزی شده و سرانجام نظر دولت در زمینه صنعتی شدن و توجه به صنعت را نام برد. با توجه به چنین آگاهی‌ها است که صاحبان سرمایه و کارآفرینان می‌توانند در جهت ایجاد صنعت و پیشبرد کشور به سوی صنعتی شدن حرکت نمایند. نکته دیگر، وجود قوانین و مقرراتی در زمینه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی است که بتواند موانع موجود را از سر راه کارآفرینان و سرمایه‌گذاران بردارد.

## پردازش انگیزه‌ها

اکنون این بحث است که در شرایط کنونی، سیاست‌هایی که بدان اشاره شد در جهت توسعه و گسترش صنعت در کشور ما نیز عمل می‌کند و به عبارت دیگر، در عین حال که سیاست دولت، مانند دیگر کشورهای جهان، در جهت صنعتی شدن گام بر می‌دارد سه اصل تحریک انگیزه‌ها، سازمان‌دهی و مقررات و قوانین نیز باید در جهت صنعتی شدن بوده و دولت نیز در جهت اجرای سیاست‌های صنعتی شدن کشور، در جهت تحقق بخشیدن به اصول فوق توجه لازم را مبذول دارد.

در جهت فرهنگ‌سازی باید اذعان نمود که مشکلاتی بر سر راه کارآفرینان وجود دارد. این مشکلات ناظر بر قوانین مالی، نظام بانکی و تصدّی‌گری بیش از حد دولت در قبال بخش خصوصی است و با وجودی که قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی از دو سال قبل مورد بحث بوده و به تصویب رسیده است، ولی هنوز اندیشه حاکم بر این قانون چنانکه باید به مرحله اجرا نرفته و کار از فروش تعدادی شرکت و مؤسسه فراتر نرفته است.

از سوی دیگر سیاست‌های مالی و پولی و به ویژه نظام بانکداری که ناظر بر اصول انقباضی است، نه تنها زمینه را برای توسعه و گسترش صنعت هموار نساخته بلکه مشکلاتی نیز در سر راه آن فراهم آورده است. از لحاظ سازمان‌دهی نیز آنچه مهم و قابل ملاحظه است، سازمان‌دهی ارتباط بخش خصوصی و دولت و ایجاد تعادل و تعامل بین این دو می‌باشد که هنوز دولت اولویت خود را حفظ کرده و با در دست داشتن ۷۰ درصد اقتصاد کشور (البته بعد از واگذاری‌های اخیر رقم فوق از احتمالاً ۸۰ درصد به ۷۰ درصد تنزل یافته است) هنوز هم در تمامی زمینه‌ها و از جمله تصدّی‌گری، حرف قطعی را می‌زند. البته در مورد خصوصی‌سازی، سخن بسیار گفته می‌شود ولی باید دانست که مهم‌تر از خصوصی‌سازی و واگذاری

چنانکه امروز به کشورهای مختلف جهان نظر افکنیم، ملاحظه می‌کنیم که پیشرفته‌ترین کشورها از جمله ژاپن و بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا، کشورهای هستند که از لحاظ صنعت، پیشرفت‌های چشم‌گیری دارند. تشکیل بلوک ۸ کشور صنعتی که شامل آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و سایر کشورهای عضو می‌باشد نیز به منظور حفظ پیشرفت‌ها و منافع آنان و اتخاذ تدابیری در جهت پایداری موقعیت این کشورها در جهان تشکیل گردیده است.

بر این روال دولت‌ها بر آنند که سیاست‌هایی اتخاذ نمایند که راه صنعتی شدن را هموار سازد و در جهت پیشرفت و تعالی گام بردارد، چراکه با صنعتی شدن کشور زمینه‌های بسیاری از جمله سرمایه‌گذاری، افزایش سود ناخالص ملی، ترقی و تعالی اشتغال و رفع بیکاری هموار خواهد شد. کشور ما ایران، در زمره کشورهای است که دوران کشاورزی را پیموده و در جهت صنعتی شدن گام بر می‌دارد. سیاست دولت‌ها نیز از نیم قرن گذشته این بوده است که گام‌هایی هرچه سریع‌تر در جهت صنعتی شدن بردارند و برنامه‌هایی نیز در این زمینه تنظیم گردیده و به مرحله اجرا نهاده شده است. چنانکه طی سال‌های اخیر نیز این اندیشه و تفکر با سرعت و شدت بیشتری پیگیری شده است و به ویژه اقدام در جهت گسترش خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در جهت بهبود فضای کسب و کار و سپردن زمام اجرایی صنعت به بخش خصوصی، از جمله گام‌های اساسی است که در این جهت برداشته شده است.

ولی باید گفت که هنوز راه درازی در پیش است که باید پیمود و مشکلات موجود را بر سر راه صنعتی شدن هموار کرد و در زمره کشورهای صنعتی در آمد. به این منظور باید تدابیری از جمله تحریک انگیزه‌ها، سازمان‌دهی و تنظیم قوانین و مقررات اندیشیده شود. در واقع، برای این که کشور در جهت صنعتی شدن پیش رود و به ویژه در صنایع سنگین پیشی‌گزیند، ضرورت ایجاد می‌کند که در این زمینه در جامعه فرهنگ‌سازی شود و جامعه و به ویژه گروه‌های صاحب سرمایه آگاهی به دست آوردند و واقف گردند که از سرمایه خود در جهت صنعتی شدن کشور استفاده کنند. فرهنگ صنعتی شدن و پذیرش آن از سوی قشرهای صاحب سرمایه و به ویژه به کار بستن آن، به عنوان گامی اساسی در جهت صنعتی شدن کشور و پیشرفت صنعت محسوب می‌گردد و بدین طریق راه برای پیشرفت‌های دیگر در سایر زمینه‌ها هموار می‌شود.

فرهنگ‌سازی در جهت صنعتی شدن کشور، زمینه را برای سازمان‌دهی صنعت کشور هموار می‌سازد. در واقع سازمان‌دهی، به عنوان پایه و اساس اجرایی صنعتی شدن به شمار می‌رود. اگر فرهنگ‌سازی از لحاظ فکری، پایه و اساس به شمار می‌رود، سازمان‌دهی و اجرا واجد اهمیت بسیار است.

سازمان‌دهی به کسانی که در اندیشه ایجاد صنعت هستند این امکان را می‌دهد تا در زمینه انتخاب این یا آن صنعت و فراهم آوردن ابزار و لوازم و ماشین‌آلات مورد نیاز

را فراهم می‌کنند، مانند قوانین مالیات‌ها، کار و تأمین اجتماعی، تعزیرات حکومتی و امثال آن که تکالیف و وظایف مازادی را برای کافرمایان و صاحبان سرمایه ایجاد می‌کنند. در مجموع، به ذکر این نکته بسنده می‌شود که سیاست دولت در زمینه صنعت، با توجه به آنچه بیان گردید اجرا نشده و گامی نو در جهت رشد صنعت برداشته نشده است. ■

تعدادی از واحدها به بخش خصوصی، بهبود فضای کسب و کار بسیار مهمتر است و باید بدو این زمینه از طریق قوانین و مقررات فراهم گردد. سرانجام در ارتباط با قوانین و مقررات باید گفت مشکلات در این زمینه بسی گسترده تر است. برخی از قوانین دارای ابهام بوده و حتی مجریان قادر به اجرای آن نیستند. برخی قوانین با قوانین دیگر در تناقض اند. همچنین برخی قوانین در حقیقت موانع پیشرفت صنعت

## بهبود روابط ایران و آذربایجان

# دوست، همسایه و برادر



**روابط ایران و آذربایجان، بر خلاف تلاش‌های برخی از قدرت‌ها در منطقه و جهان روبه گسترش است.**

بین‌المللی وصل نماید و این موقعیت استراتژیک ایران می‌تواند در گسترش اقتصاد و امنیت منطقه قفقاز مهم باشد. اما دولت‌های آمریکا، روسیه، ترکیه و رژیم صهیونیستی، هیچ وقت نخواسته‌اند روابط ایران و آذربایجان گسترش

یابد، چون فاکتورها و زمینه‌های همگرایی ایران با جمهوری آذربایجان بیش از واگرایی دو کشور می‌باشد. ولی اقدامات رسانه‌های وابسته به این کشورها، بهانه رابطه طبیعی ایران با همسایه دیگر خود ارمنستان، زمینه‌ای جهت تبلیغات منفی علیه ایران در آذربایجان شده است.

کمک‌ها و مساعدت‌های مادی و معنوی ایران به جمهوری آذربایجان و مردم آن کشور، در طول جنگ قره باغ بر هیچ کس پوشیده نیست ولی رسانه‌های تبلیغاتی غرب‌گرا این اقدامات انسان دوستانه ایران را نادیده می‌گرفتند. گسترش روابط ترکیه با ارمنستان، خلاف سیاست‌ها و شعارهای ضد ایرانی آن کشورها در طول ۱۵ سال گذشته علیه ایران بود. طرفداران ترکیه و مقامات آن کشور که شعار «یک ملت و دو دولت» را سرلوحه تبلیغات خود در آذربایجان قرار داده بودند، به نظر می‌رسد اگر مبنای سیاست جمهوری اسلامی ایران در خصوص جمهوری آذربایجان، بر مبنای توسعه فرهنگی و ایجاد ارتباطات گسترده با مردم آذربایجان باشد و واقعیت‌های موجود به صورت شفاف بین مردم دو کشور دوست و برادر ایران و آذربایجان بیان گردد، دیگر مجالی برای فرصت‌طلبان، جهت تخریب روابط دو کشور وجود نخواهد داشت. این موضوع را که در مرزهای شمال غربی ما کشوری به نام جمهوری آذربایجان تشکیل شده است، باید از نظر استراتژیک به عنوان یک فرصت نگاه کنیم و اگر تهدیدی احساس می‌کنیم بهتر آن است که تهدید را به فرصت تبدیل کنیم.

مواضع روشن رئیس‌جمهور جدید آذربایجان در خصوص پرونده هستی ایران و تحریم‌های اعمالی آمریکا علیه ایران بسیار روشن است. ایشان ضمن حمایت از غنی‌سازی اورانیوم در ایران، با اعمال تحریم علیه ایران مخالفت می‌ورزد. این در حالی است که خیلی از کشورهایی که ما بیشترین انتظار را از آنها برای همدلی در مسئله هسته‌ای داشته‌ایم، نه تنها به جانبداری از کشور نپرداخته‌اند بلکه حتی در اعمال سیاست‌های تحریمی با غرب همدستی نموده‌اند. ولی آذربایجان در مسیر تحقق اهداف هسته‌ای کشورمان، علیرغم همه فشارهای غرب و آمریکا با اتخاذ موضعی شفاف، حمایت خود را از این برنامه‌ها اعلام کرده است.

این که هر کشوری در صحنه بین‌المللی طبق منافع ملی و نیازهای خود حرکت می‌کند حقیقتی غیر قابل انکار است. ما نیز در منطقه قفقاز باید بر مبنای منافع خود، به اتخاذ سیاست‌های راهبردی پرداخته که به نظر می‌رسد در شرایط حاضر، فعال کردن دیپلماسی میانجیگری ایران در تحقق روند صلح قره باغ می‌تواند مثمرتر باشد. ■

انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان با انتخاب مجدد دکتر الهام علی‌اف پایان یافت. همان‌طور که بیشتر ناظران قبل از انتخابات پیش‌بینی کرده بودند، آقای الهام علی‌اف تنها کاندیدای برتر این انتخابات بود. الهام علی‌اف که بعد از فوت پدرش آقای حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور فقید آذربایجان، زمام کشور را بر عهده گرفت، در امور داخلی و خارجی گام‌های مهمی برداشته است. ایشان در استراتژی سیاسی خود، با ایجاد روابط چندجانبه و موازی بین کشورهای ذینفع در منطقه - کشورهای هم‌چون ایران، روسیه، ترکیه و آمریکا، به عنوان مهمترین کشورهای طرف جمهوری آذربایجان - از گذشته تا به حال، قدم‌های مفیدی در جهت ثبات آن کشور برداشته است.

از نگاه آمریکایی‌ها، آذربایجان به عنوان منطقه‌ای نفت خیز و مسیری جهت ترانزیت انرژی می‌باشد و تسلط بر آن کشور، نقش اساسی را در کنترل انرژی جهان و مقابله با زیاده‌خواهی روسیه در منطقه دارد. ولی از نظر روسیه، آذربایجان در حوزه منافع ملی آن کشور قرار دارد. روس‌ها معتقدند که آذربایجان با توجه به پتانسیل‌های بالقوه و بالفعلی که از نظر موقعیت جغرافیایی و ذخایر انرژی دارا می‌باشد، می‌تواند نقش مهمی در منطقه ایفا کند. به همین خاطر روس‌ها سعی دارند با طولانی کردن حل مناقشه قره باغ که حدود ۲۰ درصد خاک آذربایجان را شامل می‌شود، ابزاری جهت دخالت در آذربایجان داشته باشند.

با توجه به این که منطقه قره باغ به عنوان بخشی از جمهوری آذربایجان در اسناد و مدارک تاریخی ثبت شده است اما در این مسئله روس‌ها و آمریکایی‌ها از سیاست انگلیسی‌اختلاف‌بین‌داز و حکومت‌کن استفاده می‌نمایند.

در حال حاضر نکته مهم و اساسی این است که تعریف روابط ایران و آذربایجان چگونه باید باشد؟ همه می‌دانند که آذربایجان در سال‌های نه چندان دور، بخشی از خاک کشور عزیزمان بوده که در گذشته توسط استعمارگری چون روسیه از آغوش کشور دور مانده است. این واقعیت تلخ را ما قبول کرده‌ایم و همین مسئله موجب شد که در زمان فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ جمهوری اسلامی ایران جزو اولین کشورهایی باشد که استقلال جمهوری آذربایجان را به عنوان همسایه به رسمیت بشناسد. روی کار آمدن جبهه خلق به رهبری ابوالفضل ایلچی بیک به عنوان رئیس‌جمهوری و شعارهای تند و ضد ایرانی و پان‌ترکیستی ایشان و همفکرانشان باعث ایجاد شک و دودلی در بین برخی از مسؤولان و مردم ایران، نسبت به دوستی برخی زمامداران آذربایجان نسبت به ایران شد.

درست است که حکومت ایلچی بیک بیش از یک سال (۱۹۹۲) دوام نداشت، اما آثار منفی سیاست‌ها و شعارهای آن مقطع ایشان، هنوز در حافظه برخی از مسؤولان و مردم ایران باقی مانده است. در دوران حکومت رئیس‌جمهور فقید آذربایجان، حیدر علی‌اف، وی یکسری سیاست‌ها و اقدامات مثبتی جهت ترمیم و توسعه روابط بین دو کشور دوست و مسلمان انجام داد و در ادامه نیز الهام علی‌اف راه پدر را در پیش گرفت. اما متأسفانه هنوز روابط دو کشور به حد معقول نرسیده است و برخی مشکلات حاشیه‌ای، سایه بر روابط دو کشور انداخته است. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان پلی می‌تواند شمال و جنوب را به آب‌های